چرا به آنها خوارج می گوئیم

شیخ عبدالله المحیسنی (حفظه الله)

مترجم: سایت تمکین



www.tammkeen.com

www.tammkeen.net

بسم الله الرحمن الرحیم

إنَّ الحمد لله نحمده ونستعينه ونستغفره، ونعوذ بالله من شرور أنفسنا ومن سيئات أعمالنا، من يهده الله فلا مضلَّ له، ومن يضلل فلا هادي له، وأشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له، وأشهد أنَّ محمَّدًا عبده ورسوله صلى الله عليه وآله وسلم شهادةً ندَّخرها ليوم لقائه يوم لا ينفع مالٌ ولا بنون إلا من أتى الله بقلب سليم، أمَّا بعد ..

سلام و درود خداوند بر همه‌ی برادران، از الله متعال و با استعانت از نام‌های نیکویش و صفات والایش خواهانم همچنان که ما را با هم در این مسجد گردآورده در بهشت برین نیز گردآورد ... بگویید: آمین

بارالها ما را در بهشت برین با هم جمع بگردان. بارالها ما را با انبیا، صدیقین و شهداء جمع گردان، پروردگارا ای خالق کائنات از اجر مجاهدین در جبهه‌ها محروم‌مان مگردان، پروردگارا ای بزرگوارِ کریم ما را از یاری دهندگان جهادِ در راهت قرارده.

صحبت من ای برادران در این سخنرانی مهم و در این لحظاتِ سخت، درباره‌ی خطرناک‌ترین موضوع در عرصه جهادِ شام است که می‌توان گفت خطرناک‌ترین آنها در کل دورانهای امت اسلامی و جبهه‌های جهاد است که مسلمانان با آن روبرو شده‌اند. سخن من در مورد گروهی است که جماعت دولت اسلامی خوانده می‌شود و همچنین بحث و جدل طولانی و اختلاف پرتنشی که ناشی از این رخداد است.

افراد زیادی می‌پرسند چرا ما با گروه دولت اسلامی مخالفت می‌کنیم؟ درحالی‌که ما هم می‌خواهیم معبودی جز الله پرستیده نشود و ما نیز خواهان خلافتیم، مگر آنها اعلام خلافت نکرده‌اند؟! پس چرا با آنان مخالفیم؟! به همین خاطر مردم می‌پرسند چرا با آنان مصالحه نمی‌کنیم و با هم با دشمنان خدا نمی‌جنگیم؟ می‌پرسند چرا آنان را خوارج می‌خوانیم درحالی که اطلاق کلمه‌ی خوارج بر کسی یا گروهی در اسلام چیز کمی نیست؟

برادران، امیدوارم امروز به این سوالات پاسخ دهم و امید است که صدای ما از این سرزمین به برادرانمان در سرتاسر جهان برسد. برادران توصیف فردی مسلمان به یکی از اوصاف دین خدا نباید از روی خصومت و اختلاف باشد. اوصاف شرعی مثلاً اطلاق وصف کافر، مرتد، شبیحه (مزدوران بشار اسد) و خوراج بر کسی (و هر صفت از قبیل این اوصاف) کلمات بزرگی در دین الله متعال هستند. بر فرد مسلمان واجب است که وارد این مباحث نشود و آنرا برای علماء واگذارد زیرا خداوند این گونه امور را بر دوش آنان گذاشته است که در غیر این صورت هر کس که وارد این مباحث شود بدون شک در برابر الله متعال باید پاسخ گو باشد، به همین خاطر است که پیامبر ﷺ می‌فرماید"من قال لأخيه يا كافر فقد باء بها أحدهما عند الله سبحانه وتعالى: هر کس به برادر (مسلمانش) بگوید کافر قطعاً این صفت و حکم در

نزد الله متعال دامن‌گیر یکی از آنان می‌شود" پس قضیه بسیار خطرناکی می‌باشد. هرگاه من نزد فردی بروم و به او بگویم فلانی تو کافر هستی، پس قضیه بدون شک از دو حالت خارج نیست:

* یا طرف نزد الله کافر بوده

* یا کفر به خودم باز می‌گردد ...

از الله متعال سلامت و عافیت مسالت دارم.

به همین خاطر است که پیامبرﷺ می‌فرماید: "هر مسلمانی که به مسلمان دیگری بگوید: ای کافر، اگر طرف مقابلش کافر نبود این توصیف به خود او برمی‌گردد."

برادران ما در این مسجد پاک و مبارک و این روز بزرگ و با این موضع و منش صحیح و بی‌آلایش ایستاده‌ایم تا کلمه خوارج را که پیامبرﷺ فرموده‌اند مورد بررسی قرار دهیم و نیز بنگریم که آیا این کلمه و حکم بر جماعت دولت اسلامی صدق می‌کند؟ که اگر صدق پیدا کرد آنان را خوارج می‌نامیم و در غیر اینصورت از به کار بردن این لفظ و حکم برای کسانی که در دایره‌ی این حکم قرار نمی‌گیرند به خدا پناه می‌بریم، پس ما چیزی جز آنچه که خدا و رسولش گفته‌اند، نمی‌گوییم.

برادران لفظ و اصطلاح خوارج عبارتی تازه و نو نیست. اولین کسی که این کلمه را بر زبان آورد چه کسی بود ؟! بله، اولین کسی که این اصطلاح را به کار برد پیامبر خداﷺ بود؛ همان گونه در روایتی که جابر –رضی‌الله عنه– از پیامبرﷺ نقل می‌کند که پیامبرﷺ می‌فرمایند "الخوارج کلاب النار" خوارج سگان آتش‌اند و آنرا سه بار تکرار کردند: خوارج سگان آتش اند.. خوارج سگان آتش اند.. خوارج سگان آتش اند.. سپس فرمودند "هم شرار الخلق عند الله" آنان بدترین خلق نزد الله متعال می‌باشند و در روایتی دیگر هم آمده است "أولئک لهم النار؛ جزاء و پاداش آنان آتش است".

اکنون بیاید با هم صفاتی را که رسول خداﷺ برای خوارج برشمرده‌اند بررسی کنیم.

برادران قبل از هر چیزی در این تحقیق و سخنرانی ساده و قابل فهم، نزدیک به سی صفت از صفات خوارج را جمع آوری کرده‌ام (که شیخ به علت ضیق وقت موفق به بیان همه‌ی آنها نمی‌شود) و اکنون نیز در چارچوبی صحیح بررسی خواهیم کرد که آیا این اوصاف بر جماعت دولت اسلامی تطبیق پیدا خواهند کرد یا نه؟ ولی قبل از آن در مورد تقسیم بندی علماء درباره‌ی خوارج سخن خواهم گفت: دانشمندان اسلام در کتب ملل و نحل این گونه تقسیم بندی کرده‌اند: که صفات هر جماعت و گروه‌ای به دو نوع تقسیم می‌شوند، برادران می‌خواهم درس را همراه من به درستی درک و فهم کنید ...

هر جماعت دو نوع صفت دارد:

* صفات اساسی و اصلی

* صفات مدللة (صفاتی که دلالت بر چیزی دارند) و یا مشبه (صفاتی که تشابه میان دو چیز را برای ما مشخص می‌کنند)

مثلاً وقتی در مورد کسی می‌گوییم فلانی شبیحه (مزدور بشار اسد) است صفت اصلی در اینجا تعامل و همکاری او با رژیم بشار اسد است ولی ما در اینجا صفات مدللة نیز داریم، مثلاً می‌گوییم فلانی شبیحه است رنگش سفید است و یا موی بور دارد و... زود عصبانی می‌شود و چنین و چنان است... و از این دست اوصاف. این اوصاف از اوصاف اصلی بشمار نمی‌آیند که بخاطر آنها فرد را شبیحه بنامیم. پس صفت اصلی چیست؟ اینکه او با رژیم اسد همکاری کند. برهمین اساس وقتی صفات خوارج را نیز بررسی می‌کنیم در اینجا ما دو صفات اصلی داریم؛ که هرکسی و هر گروهی آنها را داشته باشد خوارج محسوب می‌شود و هر کسی آنها را نداشته باشد خوارج محسوب نمی‌شود. در اینجا علماء صفاتی (صفات اصلی) را ذکر کرده‌اند که اگر کسی خوارج را بوسیله‌ی آنها تشخیص نداد می‌توانند از خلال صفات مدللة و مشبه آنها را تشخیص دهد.

از همین رو برای مثال رافضی چه کسی است؟ هر کسی که اصحاب پیامبر(رضی الله عنهم) را سَب کند رافضی می‌باشد، اما در اینجا ما صفاتی داریم که شاید مدللة و نیز مشبه باشند ولی غیر اصلی‌اند، برای مثال: روافض به متعه معتقداند _الله متعال ما را انجام چنین اعمالی حفظ دارد_ ولی فردی رافضی می‌آید و می‌گوید: من به متعه معتقد نیستم، آیا ما به او می‌گوییم که به صِرْف این‌که تو به متعه معتقد نیستی دیگر ما تو را رافضی نمی‌خوانیم؟! نه، می‌گوییم تو بخاطر سب اصحاب رسول رافضی خوانده می‌شوی، نه انجام دادن یا ندادن متعه. از الله متعال خواهانم، لعنت بفرستد بر هر کس که بر مادرمان عائشه (رضی الله عنها) و سرورانمان ابوبکر، عمر، عثمان و علی(رضی الله عنهم) لعن می‌فرستد.

اکنون برادران ...

صفت اول:

از اوصاف خوارج آن است که آنها مسلمانان را به بهانه‌ی مرتد شدنشان می‌کشند، همچنان که از کلام پیامبرﷺ در حدیثی متفق علیه برمی‌آید "الخوارج يقتلون أهل الإسلام" خوارج مسلمانان را قتل عام می‌کنند» و امام احمد می‌فرماید "خوارج از دین خارج گشته و شمشیرهایشان را بر امت کشیده و ریختن خون و غارت اموال مسلمانان را حلال می‌دانند" و ابن تیمیه می‌فرماید "خوارج ریختن خون اهل قبله را حلال می‌دانند چرا که معتقداند آنها مرتدند".

آیا این صفت در میان جماعت دولت اسلامی وجود دارد یا نه ؟! به همین خاطر آنها فردی را که اکنون با شما صحبت می‌کند (خود شیخ محیسنی) را مرتد می‌دانند، اگرچه نماز می‌خوانیم و روزه می‌گیریم. آنان برادرانتان را در جبههالنصره هر چند در راه خدا جهاد می‌کنند مرتد می‌دانند برادرانتان در احرارالشام را مرتد می‌دانند، جیش‌الفتح را جیش الرده می‌نامند و ادلب* و حلب* را سرزمین کفر (دارالکفر) می‌دانند نه سرزمین اسلام (دارالاسلام). این سخنان،

* یکی از شهرهای سوریه و مرکز استان ادلب است. این شهر در شمال باختری سوریه و در ٦٠ کیلومتری شهر حلب واقع شده‌است.

چیز عجیبی نیستند و بر کسی پوشیده نیستند. همه آنها را می‌دانند به همین خاطر اولین صفت خوارج تکفیر مسلمانان است، آیا ما آنها را تکفیر می‌کنیم؟! نه آنان را تکفیر نمی‌کنیم، چرا؟! چون قضیه اینگونه نیست که من با فردی اختلاف پیدا کرده‌ام و او مرا کافر خواند و من نیز او را کافر بخوانم، نه اصلا این گونه نیست. ما در اینجا نواقضی برای اسلام داریم که طبق آنها عمل می‌کنیم، قضیه دشمنی و خصومت نیست. بین ما و جماعت دولت اسلامی هم خصومتی نیست. حتی بنده که اکنون با شما صحبت می‌کنم، در پیشگاه خدایی که جز او معبودی نیست سوگند یاد می‌کنم که شش ماه سعی کردم میان آنها و مردم صلح ایجاد کنم. آنها بنده را یکی از علماء و مشایخ می‌پنداشتند و وقتی که اختلافات به خون و خونریزی کشید و به آنها اعتراض کردم، گفتند شما مرتدید!!!. پس بر این اساس اولین صفت خوارج قتل و کشتار مسلمانان بی‌گناه است.

صفت دوم:

دومین صفت از صفات خوارج تکفیر مسلمانان است. آیا جماعت دولت اسلامی مسلمانانِ مجاهد را تکفیر می‌کند یا نه ؟! برادران از شما می‌پرسم آنها مجاهدین را تکفیر می‌کنند یا نه؟!

برادران از شما خواهشمندم مجلس امروز مجلسی منتقدانه باشد، مبحث ما خیلی گسترده می‌باشد و من روشن کردن این موضوع را دَینی برگردن خود می‌دانم. اگر در اینجا چیزی مطرح می‌شود که با دانسته‌های شما اختلاف دارد بپرسید، دستتان را بلند کنید و برای مثال بگویید: خوب برادر آنها مجاهدین را تکفیر نمی‌کنند. حال آیا آنها مجاهدین را تکفیر می‌کنند یا نه؟! بله آنها را مرتد قلمداد می‌کنند، حتی کسانی را که خودشان روزگاری زیر نظر آنها بوده‌اند را نیز مرتد قلمداد می‌کنند. آنها روزی زیر نظر شیخ ایمن الظواهری پیشوای مجاهدین بوده‌اند در حالی که امروز او را سفیه و الاغ درگل مانده* می‌دانند و علماء را متهم به ارتداد می‌کنند و مجاهدین افغانستان؛ کسانی که بینی شوروی را به خاک مالیدند را هم همین طور. روسیه‌ای که امروز با ما در حال جنگ است اولین کسانی که آنان را شکست دادند چه کسانی بودند؟! مگر افغانها نبودند؟! _ما نیز با خواست الله متعال بینیشان را به خاک می‌مالیم_ اولین کسانی که روسیه را شکست دادن برادران ما در طالبانِ افغانستان بودند. امروز جماعت دولت اسلامی کتابی به عنوان «روشنگری در بیان ارتداد طالبان= التبیان فی بیان رده الطالبان» منتشر می‌کنند!!! از الله متعال سلامت و عافیت خواهانم.

صفت سوم:

صفت سوم از اوصاف خوارج از صفات اصلی نیست، پس تا اینجا دو صفت اصلی: ۱_ تکفیر مجاهدین و مسلمانان ۲_ ریختن خون مسلمانان به ناحق، بودند.

---

* نام بزرگ‌ترین شهر و پایتخت تجاری سوریه است. شهر حَلَب در استان حلب در شمال کشور سوریه واقع شده است. این شهر یکی از کهن‌ترین شهرهای منطقه خاورمیانه است.

* الاغ درگل مانده، اصطلاحی است در زبان عربی، برگرفته از شعر عبدالله ابن مبارک که به فردی اطلاق می‌شود که علم و دانشش را در جای مناسب خود به کار نگرفته باشد

نکته : من در این‌جا مسئله‌ی تکفیر را به کلی زیر سوال نمی‌برم، نه اصلا ... تکفیر جزئی از دین خداوند می‌باشد و اصلی از اصول اسلام است، ولی تکفیر چه کسی؟! تکفیر کافر، کسی که یکی از نواقض دین را انجام داده باشد آنهم با ادله و براهین شرعی و توسط عالم.

به اذن الله متعال صفات را به سرعت ذکر خواهم کرد که زیاد وقت شما را نگیرم چرا که همان طور که می‌دانید این سخنرانی است برای عموم مردم.

رهبری خوارج در طول تاریخ _از هزار چهارصد سال پیش تا به حال_ برعهده انسانهایی کم تجربه که قدرت تصمیم گیری و تفکر صحیحی نداشته‌اند بوده است، مشکل این نیست که افرادی کم سن و سال در میان مجاهدین باشند بلکه مشکل این‌جا است که فرماندهان و امرای جهاد، انسانهایی فاقد فکر صحیح و خیره سر باشند. برای مثال یکی از آنها به من می گفت "جنگ با شما مقدم بر جنگ با رژیم بشار اسد است" گفتم به چه دلیل؟! گفت: چرا که شما مرتدید ولی رژیم بشار اسد کافر اصلی است، آیا این حماقت نیست؟! والله این فکر از بدترین انواع حماقت و سفاهت است ... از الله متعال سلامت و عافیت مسألت داریم.

جبهه النصره و جیش‌الفتح و حتی همه‌ی مجاهدین را مرتد بدان مشکلی نیست، ولی جنگ و پیکار با آنها با وجود بشار اسد، چیزی جز خیره‌سری و حماقت نیست اول با نظام بشار اسد بجنگید سپس به کار اینان (بقیه جماعات جهادی) رسیدگی کنید، اول مردم بی‌پناه را از شر بشکه‌های انفجاری نجات دهید بعد از آن هر کسی را می‌خواهید تکفیر کنید و هر چه می‌خواهید انجام دهید، درگیری و مبارزه با مجاهدان همان گونه که با نظام مبارزه می کنی چیزی جز حماقت و نادانی نیست. همه‌ی شما به یاد دارید وقتی که مجاهدین به جسرالشغور* رسیدند، جماعت دولت اسلامی به المازوت حمله کرد و به آن وارد شد و از طرف مارح شروع به پیشروی کرد. حال به یکی دیگر از مواضع دولت اسلامی توجه کنید: امروز که روسیه وارد جنگ سوریه شده باید برای مقابله با روسیه و ایران جنگ با ما را متوقف می کردنند ولی زمانی که دیدند روس‌ها حمله کردند و ما نیز زیر بمبارانِ آنها با نیروهای بشار اسد در حال جنگ بودیم، آنان به مدرسه المشاه (آموزش‌گاه نیروی زمینی) حمله کردند و آنرا با اطرافش تصرف کردند، سبحان الله!! آیا مگر این دست اعمال نشان از بزرگ‌ترین حماقتها و سفاهتها نیستند؟! قسم بخدا چیزی جز حماقت نیست!!.

صفت چهارم:

اصلاح ظاهر (خوارج ظاهری اسلامی و دینی دارند) سبحان الله!! به همین دلیل سخن گفتن از خوارج نیاز به تعمق بیشتری دارد. چرا پیامبرﷺ در ده‌ها حدیث که در مسلم و بخاری روایت شده‌اند از خوارج سخن به میان آورده است؟! چون قضیه و مبحث نیاز به تشخیص و تمییز دقیق میان حق و باطل دارد. عامه‌ی مردم می گویند برادر اینان مردمانی هستند داری محاسن(ریش) و سیمایی اسلامی و در حال جهاد، من چگونه آنان را تشخیص دهم؟ به همین خاطر لازم است که ما این امر را به علماء واگذاریم، امام آجری می‌فرمایند" فرد نباید فریب ظاهر خوارج، قرائت قرآن، طول نماز

* شهری واقع در استان ادلب است. این شهر در کنار رود عاصی (اُرونتس) و در جاده اصلی لاذقیه به حلب واقع شده‌است. جسرالشغور در ۷۵ کیلومتری لاذقیه و ۱۰٤ کیلومتری حلب قرار دارد.

شب، کثرت روزه و خوش زبانیشان را بخورد، چرا که مذهبشان مذهب خوارج است" یعنی در هرحال خون مسلمان را می‌ریزد و آنان را تکفیر می‌کند، فریب ظاهر آنان را مَخورید... از الله متعال سلامت و عافیت مسألت داریم.

اکنون برخی از مردم می‌پرسند برادر چگونه آنها را خوارج خوانیم؟! درحالی که در میان آنها افراد مهاجر و صالح و ... وجود دارند ... تکلیف اینها چه خواهد بود؟! جواب: هر کسی که مسلمانان را بدون دلیل قتل عام کند و به ناحق آنها را تکفیر کند صالح بودنش (البته از لحاظ ظاهری) به هیچ دردی نمی‌خورد چرا که به سبب همین عقیده‌ی فاسدشان دست به قتل اصحاب پیامبرﷺ زدند. خباب و علی رضی‌الله عنهما را شهید کردند. خلیفه‌ی چهارم را چه کسانی شهید کردند؟!. هنگامی که می‌خواستند قاتل امام علی؛ ابن ملجم را قصاص کنند شروع به گریه کرد از او پرسیدند چرا گریه می‌کنی؟ گفت به خاطر زبانم گریه می‌کنم، زبانی که تا پیش از این به ذکر خدا مشغول بود ولی حالا بدان مشغول نیست!!.

کلام زیبا مادامی که دست به قتل مسلمانان و تکفیر آنها بزنی، فائده‌ای ندارد و به درد نمی‌خورد!!. در این رابطه ابن کثیر در تفسیر این آیه می‌فرمایید. به آیه توجه کنید ﴿قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا* الَّذِينَ ضَلَّ سَعْيُهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا﴾ (ای پیغمبر) بگو: آیا شما را از زیانکارترین مردم آگاه سازم؟ آنان کسانیند که تلاش و تکاپویشان(به سبب تباهی عقیده و باورشان) در زندگی دنیا هدر می‌رود (و بیسود می‌شود) و خود گمان می‌برند که به بهترین وجه کار نیک می‌کنند (سوره کهف ۱۰۳-۱۰۴). آنها می‌پندارند که مجاهد هستند و خلافت را باز می‌گردانند، می‌پندارد که کار نیک را انجام می‌دهند!!! ابن کثیر می‌فرماید از نظر من این آیه درباره‌ی خوارج نازل شده است که فکر می‌کنند برحق هستند، در راه خدا و معامله‌ی با او صادق هستند ولی متاسفانه خون مسلمانان را می‌ریزند و آنان را تکفیر می‌کنند. حال توجه کنید صفت اصلاح ظاهر در میان پیروان دولت اسلامی وجود دارد یا نه؟!.

صفت پنجم:

خوارج معنی قرآن را نادرست و غلط درک می‌کنند، آنان آیاتی را که برای کفار نازل شده‌اند به مسلمانان تعمیم می‌دهند. برای مثال این روزها جماعت بغدادی این آیه از قرآن را می‌خوانند....﴿قَاتِلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ (سوره توبه/۱۲۳)﴾ (با کافرانی که نزدیک شمایند جنگ کنید)... و به مسلمانان و گروه‌های مخالف خود اشاره می‌کنند. پس خوارج آیاتی را که درباره‌ی کفار نازل شده‌اند را به مومنین تعمیم می‌دهند. می‌گویند فلانی تو کافر هستی چرا که با فلانی که کافر است دوستی؛ منظورشان کسی است که در راه الله جهاد می‌کند!! به فرمایش ابن عمرﷺ گوش دهید می‌فرماید "الخوارج شرار الخلق عندالله ذهبوا الی آیات نزلت فی الکفار فجعلوها علی المسلمین" خوارج بدترین مردمان نزد الله متعال هستند چرا که آیاتی را که در مورد کفار نازل شده است به مسلمانان تعمیم می‌دهند. آیا این صفت در میان طرفداران جماعت دولت اسلامی وجود دارد یا نه؟!

حال مساله‌ی خطرناک و دردناکی را که این صفت به دنبال دارد برسی می‌کنیم، ابن عمرﷺ می‌فرماید" والخوارج هم شرار خلق الله سبحانه و تعالی انطلقوا الی المسلمین فکفروهم و قتلوهم حتی انهم یذهبون الی زوجه الرجل فیتزوجها الرجل منهم بزعم ان زوجها کفر!!!" خوارج بدترین مردمان نزد الله سبحانه و تعالی هستند چرا که مسلمانان را تکفیر می‌کنند و سپس به این بهانه آنان را می‌کشند به این‌هم بسنده نمی‌کنند حتی نزد زن فرد رفته و یکی از آنان به این بهانه

که شوهرش کافر گشته است با او ازدواج می‌کند!!! این صفت در میان‌شان وجود دارد یانه؟! به خدا سوگند در میانشان چنین چیزی وجود دارد. من بسیاری از مجاهدین را می‌شناسم که می‌گریستند و می‌گفتند همسرم به سوی آنها رفته است فکر می‌کرد که خلافت اسلامی است به او گفته‌اند که همسرت مرتد است و با او ازدواج کرده‌اند. سبحان الله!!! ابن‌عمر رضی الله عنه چند سال پیش این سخنان را بیان داشته است؟! این سخنان را قبل از هزار و چهار صد سال پیش گفته است و امروز باز این عمل دوباره از آنان سر می‌زند.

صفت ششم:

علماء می گویند: این خوارج هستند که جنگ با مسلمانان را شروع می‌کنند. ابن‌تیمیه درباره‌ی خوارج می‌فرماید"وقد اتفق الصحابه و العلماء بعدهم علی قتال الخوارج فهم بغاه علی المسلمین إلا من وافقهم و هم یبدؤون المسلمین بالقتال و لا یندفع شرهم إلا بالقتال" صحابه و علمای بعد از آنها بر سر جنگ با خوارج اتفاق نظر دارند چرا که آنان به حق مسلمانان تجاوز می‌کنند، مگر کسانی از خوارج که با مسلمانان همراهی کنند و ضرری برای جامعه‌ی اسلامی نداشته باشند. این خوارج هستند که با مسلمانان درگیر می‌شوند و با آنان جنگ می‌کنند و شرِ آنان نیز جز با جنگ از سر مسلمانان کم نمی‌شود (منهاج‌السنه).

به گفته‌های عدنانی که چند روز پیش منتشر شده‌است گوش دهید. می‌گوید "جماعت‌ها را ملغاء می‌کنیم و جمعشان را برهم می‌زنیم و با جماعتهای مختلف می‌جنگیم تا زمانی که فقط خودمان باقی بمانیم و چنین می‌کنیم و چنان می‌کنیم".

می‌گوییم بسیار خب ای پیروان دولت اسلامی ما در حق شما بد کردیم که با ما پیکار می‌کنید گناه برادرانمان در یمن، سومالی، لیبی و... چیست که در میان آنان تفرقه انداختید؟! این دست اعمال از صفات بارز خوارج هستند. در ادامه باز علماء می‌فرمایند خوارج برای کشتن هر مسلمانی که با آنها موافق نباشد از هیچ تلاشی فروگذار نمی‌کنند؛ ابن‌تیمیه می‌فرماید" شرِ خوارج برای مسلمین از هر گروه دیگر بیشتر است، حتی بیشتر از یهود و نصاری چرا که آنان در قتل هر مسلمانی که موافق آنان نباشد از هیچ تلاشی فروگذار نمی‌کنند".

امروز هر وقت کسی در صف جبهه‌های جنگ میان دو طرف (مجاهدین و خوارج) کشته شود، گفته می‌شود خوب طبیعی است، در جبهه‌های جنگ کشته شده است، ولی مگر نمی‌بینید که بسته‌های انفجاری آنها به سلقین و سرمد و غیر از آنها هم در حلب می‌رسد که درگیریی در آنجا در جریان نیست؟! آیا این سعی مفرط در قتل مسلمانان نیست؟! برادران آنها امروز تنها مسلمانان را نمی‌کشند بلکه سعی مفرط هم در کشتار آنان دارند. اگر شک دارید از مسلمانانی بپرسید که با بسته‌هایی انفجاری آنها شهید شده‌اند. از ابوخالد سوری و بقیه‌ی علماء جهادی که به دست آنها کشته شدند بپرسید.

صفت هفتم:

خوارج نصوص متشابه را حمل بر محکمات می‌کنند. برادران نصوص دین الله متعال بر دو نوع است: محکم و متشابه، محکم یعنی کلامی واضح که نیاز به تاویل و تفسیر ندارد. همچنان که الله سبحانه و تعالی می‌فرمایید ﴿وَمَنْ يَقْتُلْ

مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا فَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا فِيهَا وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَلَعَنَهُ وَأَعَدَّ لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا﴾ و کسی که مؤمنی را از روی عمد بکشد (و از ایمان او باخبر بوده و تجاوزکارانه او را به قتل برساند و چنین قتلی را حلال بداند، کافر بشمار می آید و) کیفر او دوزخ است و جاودانه در آنجا می‌ماند و خداوند بر او خشم می گیرد و او را از رحمت خود محروم می‌سازد و عذاب عظیمی برای وی تهیّه می‌بیند (سوره نساء/۹۳." این آیه در تحریم کشتن مسلمان واضح و روشن می‌باشد که اگر کسی مومنی را به ناحق بکشد جزایش آتش جهنم است، خوارج آیات واضح قرآن را وامی‌گذارند و به احادیث متشابه استناد می کنند. نزد ما می‌آید می گوید ما در مرج دابق* با شما روبرو خواهیم شد و به احادیث پیامبرﷺ که درباره‌ی مرج دابق گفته‌اند استناد می کنند و می گویند منظور از این احادیث ما هستیم. این احادیث متشابه‌اند چرا؟! چرا که مرج دابق امروز که در دست فلان گروه است فردا در درگیری دیگری به دست گروهی دیگر می‌افتد، دو سال پیش در دست رژیم نُصیری*سوریه بود و در آینده هم بر همین منوال خواهد بود، حال آیا عاقلانه است که حق را با در دست داشتن مرج دابق بشناسیم و هر کسی را که مرج دابق را در دست داشته باشد حق و هر کس که آنرا در دست نداشته باشد باطل بدانیم؟! مسلماً نه!!!. این از متشابهات می‌باشد، حق را باید از روی قرآن و سنت پیامبرش بشناسیم برای مثال به غوطه‌ی شرقی* امروزی بنگریم که پیامبرﷺ می‌فرماید «فسطاط المسلمین یوم الملحمه فی غوطه» در روز ملحمه* خیمه‌گاه مسلمانان در غوطه می‌باشد». آیا عاقلانه است که گفته شود هرکس که غوطه را در دست داشته باشد برحق و هر کس که آنرا در دست نداشته باشد باطل است؟! این دست احادیث متشابه خوانده می‌شوند، و امروز آنان (خوارج) برای اثبات مدعای خود به متشابهات تکیه کرده‌اند و محکمات را کنار گذاشته اند. ابن‌تیمیه می‌فرماید" و کذلک اهل البدع ممن هو مقر بالرساله اشتبه علیه فی بعض ما اشتبه علیه هؤلاء فتبع المتشابه و ترک المحکم کالخوارج؛ از میان اهل بدعت از جمله خوارج که به رسالت اسلام معتقدند همگی برای اثبات مدعای خود به متشابهات پناه برده‌اند و محکمات را واگذاشته‌اند".

صفت هشتم:

خوارج بر علماء و اهل علم طعنه می‌زنند. این مشکل از چه زمانی وجود داشته؟! از زمان پیامبرﷺ تا به امروز وجود داشته، اولین خارجی (منتسب به خوارج) ذو الخویصره بر که طعنه زد؟! بر رسول خداﷺ طعنه زد!!! آگاه‌ترین مردم و امامِ علم و تقوی کیست؟! مسلماً کسی نیست جز رسول خداﷺ، آن فرد خارجی نزد رسول اللهﷺ آمد و به او گفت ای محمد از خدا بترس. حتی نمی‌گوید ای رسول خدا از خدا بترس، بلکه گفت ای محمد با عدل رفتار کن سپس پیامبرﷺ گفتند"«ویحک إن لم أعدل فمن یعدل؟!» وای بر تو اگر من عادل نباشم چه کسی عادل است؟!" عمر گفت: ای پیامبر

* مکانی در شمال شهر حلب سوریه

* نصیری، بزرگترین اقلیت دینی را در سوریه تشکیل می‌دهند و بشار اسد و بسیاری از رهبران حزب حاکم این کشور از پیروان آن هستند. اعتقاد آن‌ها به حلول خداوند و الوهیت علی بن ابی‌طالب باعث شده مسلمانان آن را مرتد بدانند.

* دمشق در بین دو منطقه قرار گرفته که اولی غوطه‌ی شرقی و دیگری غوطه‌ی غربی نامیده می‌شود که از نظر وسعت تقریبا هرکدام به اندازه‌ی خود دمشق هستند.

* رخ داد بزرگ، جنگ سرنوشت ساز که منظور همان جنگ آخرالزمان است.

خداﷺ اجازه می‌دهید او را بکشم؟ ایشان اجازه ندادند سپس فرمودند کسانی از تبار این خواهند آمد (یعنی خوارجی بسیار از اصل و تبار اینان خواهند آمد) که نماز و روزه‌تان را در مقابل نماز و روزه‌ی آنان حقیر می‌شمارید.... پس طعنه زدن به اهل علم از صفات بارز خوارج است. ابن‌عباس رضی الله عنه از طرف علی رضی الله عنه نزد خوارج رفت تا با آنان گفتگو کند _ دقت کنید که ابن‌عباس یکی از اصحاب پیامبرﷺ بود ولی آنها از اصحاب پیامبر نبودند_ پیامبرﷺ اصحابشان را بزرگ داشته‌اند و فرموده‌اند"«لاتسبوا اصحابی فلو ان احدکم أنفق مثل أحد ذهبا ما أدرك مد أحدهم و لا نصیفه» بدگویی یاران مرا مَکنید که اگر یکی از شما به اندازه‌ی کوه احد طلا ببخشد به اندازه‌ی یک مُدِ * بخشش آنان و حتی نصف آن هم نمی‌رسد". ابن‌عباس رضی الله عنه نزد خوارج می‌آید و به آنها می‌گوید از طرف بهترین مردمان سوی شما آمده‌ام (یعنی اصحاب رسول) درحالی که احدی از آنان میان شما نیست. آنان می‌گفتند: ابن‌عباس رضی الله عنه قرآن را می‌خواند ولی فهم نمی‌کند" الله اکبر!!! ابن‌عباس رضی الله عنه قرآن را می‌خواند ولی آنرا فهم نمی‌کند؟!. ابن‌عباس رضی الله عنه مفسر قرآن وآگاه‌ترین مردم به قرآن است آنان ابن‌عباس رضی الله عنه را سب می‌کردند و می‌گفتند ابن‌عباس رضی الله عنه قرآن را درك نمی‌کند!! گوش فرا دهید که رسول خداﷺ چه می‌فرمایند «ثم یأتی اقوام یقرؤون القرآن ثم یقولون قد قرأنا القرآن فمن أقرأ منا؟ و من أعلم منا؟ اقوامی خواهند آمد قرآن را می‌خوانند، سپس می‌گویند ما قرآن راخوانده‌ایم، حال چه کسی بهتر از ما قرآن را می‌خواند و بدان آگاه‌تر از ماست؟».

از صفات خوارج این است که آنها احساس نیازی به علماء، صلحاء و اصلاح‌گران نمی‌کنند. برای اثبات این مدعا به سخنان اخیر عدنانی گوش دهید که در آن چه می‌گوید_ با همین کلمات_ (منظورشان نص گفته‌های عدنانی است) ما سمبل‌ها و بت‌ها را برانداختیم _ یعنی علماء_ بعد می‌گوید اینان _علماء_ اُلاغان در گل مانده‌اند سبحان الله!!! همان گفته‌های خوارج صدر اسلام و اهانت‌شان به علماء اسلام. پیامبرﷺ می‌فرماید" می‌گویند ما قرآن را خوانده‌ایم چه کسی از ما بدان آگاه‌تر و عالم‌تر است؟" سپس می‌فرماید :«أولئك هم وقود النار: آنها سوخت و هیمه‌ی آتش‌اند» از الله متعال خواهان سلامت و عافیت هستیم.

خوارج در کارها و اموراتشان به اهل علم رجوع نمی‌کنند برخلاف اهل حق که در اموراتشان به علماء رجوع می‌کنند، به همین خاطر عدنانی در سخنان اخیرش می‌گوید"ای آنهایی که در کار دولت اسلامی شك دارید از آنهایی که از گروه‌های دیگر جدا شده اند و به دولت اسلامی پیوسته‌اند بپرسید که آیا ما بر حقیم یا نه؟" یعنی از عوام‌الناس بپرسید در حالی که الله متعال به ما امر می‌کند که اگر چیزی را نمی‌دانیم از چه کسی بپرسیم؟ بله از علماء بپرسیم. برهمین مبنی الله متعال می‌فرماید﴿فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾ پس اگر چیزی را نمی‌دانستید از اهل آن_ علماء_ بپرسید (سوره انبیا/۷). حال طعنه زدن به بزرگان و علماء در میان جماعت دولت اسلامی وجود دارد یا نه؟!.

خوب حال به اقوال علماء گوش فرامی‌دهیم امام شاطبی در الاعتصام می‌فرماید"نکته‌ی اصلی در فساد و باطل بودن خوارج این است که آنها اولین کسانی بودند که سلف صالح را مورد طعن و لعن قرار دادند و این کار آنها تا امروز نیز ادامه دارد" سبحان الله!! برادران این سخنانی را که برای شما ذکر می‌کنم کلام علمای امروزی نیست بلکه سخنان ابن‌تیمیه، شاطبی، ابن‌حزم و ابن‌عمر است که بعد از سالها همان واقعه و داستان در حال تکرار است، باز با این

* مُد، پیمانه‌ای‌است که برابر یک چهارم صاع می‌باشد. هر مُد برابر ۷۰۷،٦١٦ گرم می‌باشد

همه کسانی هستند که هنوز شک دارند که آیا جماعت دولت اسلامی خوارج‌اند یا نه چرا؟ چرا که از اهل علم پیروی نمی‌کنند، هرگاه که فتنه‌ای پیش می‌آید کسی جز علماء آنرا به درستی درک و فهم نمی‌کند و هنگامی که فتنه در حال از بین رفتن است عامه‌ی مردم آنرا درک می‌کنند.

صفت نهم:

خوارج در میان خود علمایی راستین وحقیقی ندارند و حتی به زحمت می‌توان کتابی قابل اعتماد که بیانگر آرا و عقایدشان باشد در میان‌شان یافت. شیخ الاسلام ابن‌تیمیه می‌فرماید"خوارج را با گفته‌های دیگران در موردشان می‌شناسند چرا که آنان نه کتابی دارند و نه عالمی". حضرت علی‌ﷺ همچنان که در تاریخ طبری نقل شده است می‌فرماید "خوارج نه قاری قرآن‌اند و نه در دین فقیه‌اند و نه به تاویل آگاه‌اند و اعمالی انجام می‌دهند که در اسلام سابقه‌ای نداشته است".

آیا در میان خوارج امروزی علمایی شناخته‌شده وجود دارند؟! به خدا قسم متعجم!!! حتی یکی از علماء شناخته‌شده با آنان نیست بلکه آنها جوانان تازه به دوران رسیده در علم را آورده‌اند و همانند بادکنکی در آنها دمیده‌اند و آنان را به معرض نمایش می‌گذارند. علماء جماعت دولت اسلامی کجایند؟! آیا این امکان وجود دارد که همه‌ی علماء امت بر سر جنگ با خلافت صحیح اسلامی اجتماع کنند؟!

به همین خاطر از بارزترین صفات خوارج این است که عالمی شناخته‌شده با آنان نیست بلکه علمایی که خوارج (جماعت دولت اسلامی) کتاب‌هایشان را توزیع می‌کنند _برای مثال: آنها کتاب‌های شیخ ابوقتاده‌ی فلسطینی را توزیع می‌کنند_ سپس بعد از مدتی که شیخ با کارهای آنها مخالفت می‌کند آنها نیز او را از اعتبار، مقام و منزلتی که قبلا در میان‌شان داشت ساقط می‌کنند و از او بدگویی می‌کنند. بعد از آن کتابهای فلان و فلانی ... و دوباره همان داستان و هر آن کس که با آنها مخالفت کند نزد آنها از اعتبار ساقط می‌شود و گفته‌های آن عالم هیچ گونه ارزشی برای آنها ندارد و به او می‌گویند تو از اهل علم نیستی!! و آنگاه که عالمی برای خود باقی نگذاشتند، عدنانی بیانیه صادر می‌کند و می‌گوید" الحمد لله ما موکب خلافت را به راه انداختیم و سمبل‌ها و علماء را برانداختیم". این سخنان را به این خاطر می‌گوید که او را با این سوالها که علماء شما چه کسانی هستند، در تنگنا قرار ندهند که شما چگونه بدون یاری جستن از اهل علم به سوی خدا حرکت می‌کنی؟! در حالی که خدا می‌فرماید: ﴿فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾.

صفت دهم:

خوارج سرزمین‌های تحت سیطره خود را دارالاسلام و سایر مناطق را دارالکفر می‌دانند که در آن شریعت و قانون الهی اجرا نمی‌شود. نوشته‌های هر روزه‌ی آنها را بخوانید و گفته‌های سخنگوی‌شان عدنانی را گوش دهید می‌گوید"به دارالاسلام بپیوند _یعنی مناطق تحت سیطره آنها_ چرا که شریعت الهی جز در آن در جایی دیگر اجرا نمی‌شود". برادران ما اینجا مشغول چه هستیم؟! مجاهدان درجاهای دیگر مشغول چه هستند؟! مجاهدان در لیبی، سومالی، یمن و غیره مشغول چه هستند؟! نمازگذاران مشغول چه هستند؟! دادگاهای شرعی مشغول چه هستند؟! امر به معروف و نهی از منکر چیست و برای چه انجام می شود ؟! سبحان الله!! به خدا قسم عجیب است!! چگونه است که جوانان مسلمان عقل

خود را از دست داده‌اند؟! این وقایع دقیقا تعبیر فرموده‌ی پیامبرﷺ است که می فرماید: «أما إنه تنزع عقول کثیر من الناس في ذالك الزمان، به راستی که در آن زمان قدرت تفکر از بسیاری از مردم ستانده می‌شود». به ابن‌تیمیه گـوش فرادهیـد که چگونه صفات دقیق آنان را ذکر می کند می گوید"از ویژگی‌های خوارج که با آنها شناخته مـی‌شـوند آن اسـت کـه دسته و گروه خاصی هستند که امام و محدوده‌ای دارند که آنرا دارالهجره می‌خوانند و غیر از آنرا دارالکفر و دارالحرب می‌خوانند" مجموع الفتاوی جلد سیزدهم. این گفته‌های ابن‌تیمیه در میان جماعـت دولـت اسـلامی وجـود دارد یـا نـه؟! امامی برای خود دارند و محدوده‌ای نیـز دارنـد کـه غیـر از آن محـدوده را دارالکفـر مـی‌داننـد؟ مـی گوینـد" بـه مـا در دارالاسلام بپیوند. سبحان الله!!.

صفت یازدهم:

خوارج قائل به امامتی هستند که خود آنرا ساخته و فردی را به عنوان امام بر آن گمارده و امیرالمومنین می‌خواننـد و جنگ با هر کسی را که با آنان مخالف باشد واجب می‌دانند. شهرستانی در کتاب مِلل و نِحل در مورد خـوارج چنـین می گوید "منشا بدعتهای خوارج از امامت است. آنها انتخاب و نصب امام را با رأی و نظر خود جایز می‌دانند و آنـرا بـر مردم عرضه می کنند و هر کس علیه آن امام خروج کند پیکارِ با او نزد ایشان واجب است" و ابن‌تیمیـه نیـز مـی گویـد" آنان از عامه‌ی مردم با داشتن امام، جماعت و محدوده جغرافیایی (دار) جدا می‌شوند".

صفت دوازدهم:

اکنون به صفت شکستن عهد و پیمان در میان خوارج توجه کنید. الله متعال می‌فرماید ﴿الَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ﴾ کسانی که پیمان خدا را، پس از محکم ساختن آن می شکنند، و آنچه را که خدا دستور داده بر قرار سازند، قطع نموده، و در روی زمین فساد می کنند، اینها زیانکارانند (سوره بقره/۲۷). مصعب بن سعدﷺ می‌فرماید از پدرم پرسیدم این آیه درباره‌ی چه کسانی است؟ او نیز گفت الحروریه، یعنی خوارج. به پیمان شکنی و خیانت موجـود در میـان خـوارج بنگریـد چیزهـای عجیبـی را خواهیـد یافت. برای نمونه: به داستان آن فردی توجه کنید که به مدرسه‌ی التوحید نزد لواء التوحید وارد شـد و گفـت کـه بـرای گفت‌وگو نزد شما آمده‌ام و وقتی که گرد او جمع شدن خود را بر ما منفجر ساخت آیا این چیزی جـز غـدر، خیانـت و پیمان شکنی است؟! به حادثه‌ای دیگر که هفته‌ی پیش در یکی از ایسـت بازرسـی‌هـا رخ داده اسـت توجـه کنیـد. قسـم بخدایی که معبودی جز او نیست خود به دیدار آن مرد رفتم، می گفت فردی پیش ما آمد و گفت می‌خواهم با شما نماز بگذارم اگر در جنگ با دشمنان بودی و فردی نزد تو آمد و گفت آیا امکان دارد که با تو نماز بخوانم؟ به او می گـویی چرا که نه، با من نماز بگذار. می گفت نزد ما آمد و گفت می‌خواهم که با شما نماز بخوانم مـا هـم گفتـیم بفرمـا، سـر و سیمایش را دیدیم ـ ببینید عامه‌ی مردم به ظاهر افراد نگاه می کنند و فریب آنرا می‌خورند ـ به او گفتیم که امام شـود و هنگامی که جمع شدیم ضامن کمربند انفجاری را کشید و خود را بر مـا منفجـر کـرد. مـاجرا را شـنیدم ولـی آنـرا بـاور نمی کردم، قسم بخدایی که معبودی جز او نیست من خود یکی از مجروحان را ملاقات کردم قسمتی از پایش قطع شده بود که از آن زمان تاکنون به خاطر نقص در پایش قادر به حرکت نیست. همین فرد می گفت مگر این غـدر و خیانـت و پیمان شکنی نیست؟! قطعا این دست اعمال اوج غدر و خیانت است. از الله متعال سلامت و عافیت مسألت داریم.

صفت سیزدهم:

خوارج به بهانه‌ی اجرا نشدن شریعت و قانون الهی بر غیر از خودشان خروج و شورش می‌کنند. سبحان الله بعد از گذشت هزار و چهار صد سال عین ماجرا تکرار می‌شود و بر مسلمان خروج می‌کنند و می‌گویند شما شریعت الهی را تطبیق نمی‌دهید. قسم بخدا برادران این نوشته‌ها را که می‌خواندم، مطلبی از آنرا نمی‌خواندم مگر اینکه می‌گفتم سبحان الله!! مگر ابن تیمیه امروز در میان ما است؟! مگر ابن حزم و علی بن ابی طالب‌ﷺ در میان ما هستند که صفات را اینگونه دقیق و واضح ذکر می‌کنند؟! ابن جریر می‌فرماید هنگامی که علی‌ﷺ خطبه می‌خواندند فردی از خوارج بلند شد و گفت ای علی تو در دین خدا کسان دیگری را هم شریک کردی و حکم به شریعت الهی نمی‌کنی در حالی که حکمی جز حکم الله وجود ندارد، سپس از هر طرف صدای : لا حکم الا لله ... لا حکم الا لله ... برآوردند و علی‌ﷺ نیز می‌فرمود" این کلام حقی است که از آن برداشت و فهم باطل کرده‌اید".

صفت چهاردهم:

در طول تاریخ ضعف علمی و عمومیت جهل در میان خوارج از صفات بارز آنان بوده است. ابن حجر می‌فرماید"ان الخوارج لما حكموا بكفر من خالفهم و استباحوا دماءهم و تركوا اهل الذمه فقالوا: نفى لأهل الذمه بعهدهم و اشتغلوا بقتال المسلمين هذا كله من آثار عباده الجهال الذين لم تنشرح صدورهم بنور العلم: خوارج هر که را که با آنان مخالف باشد تکفیر و ریختن خونش را حلال می‌دانند و اهل ذمه را رها می‌کنند و می‌گویند آنان به سبب پیمان و عهدشان با ما محفوظ و مصون هستند. در مقابل از کشتن مسلمانان ابایی ندارند. این دست اعمال از نشانه های عبادت جاهلان و نادانان است که دلهایشان بر روی نور علم باز نگشته است".

صفت پانزدهم:

از صفات خوارج این است که هر آن کس را که با آنها مخالف باشد مُرجِئه* می‌نامند او را به ارجاء متهم می‌کنند. تنها به صِرف مخالفت با آنها، می‌گویند فلانی مرجئه است سبحان الله!! حتی علماء هم از این صفت خوارج گفته‌اند. امام احمد می‌فرماید" واما الخوارج فإنهم يسمون أهل السنه و الجماعه مرجئه و كذبت الخوارج فی قولهم، و اما خوارج اهل سنت و جماعت را مرجئه می‌نامند که این سخن کذب و ناروا است".

صفت شانزدهم:

خوارج به اعمال و کردار خود می‌نازند و با اعمال خود نیز تحسین عامه‌ی مردم را برمی‌انگیزند. پیامبرﷺ می‌فرماید «إن فيكم قوما يعبدون يدأبون حتى يعجب بهم الناس و تعجبهم نفوسهم يمرقون من الدين مروق السهم من الرميه. در آینده اقوامی در میان شما خواهند آمد، آنگونه عبادت و کردار زیبا انجام می‌دهند که مردم را به شگفتی وامی‌دارند و آنان نیز به عبادت و کردار خود مغروراند. آنان همچون دور شدن تیر از کمان، از دین خارج می‌شوند» امام احمد آنرا روایت کرده است. حدیث واضح‌تر از آن است که توضیح داده شود.

* فرقه‌ای هستند که عمل را شرط صحت ایمان نمیدانند.

صفت هفدهم:

خوارج وقتی ظهور می‌کنند که در بین امت اسلامی اختلاف و افتراق روی داده باشد برای اولین بار به شکل گسترده در زمان امام علی و معاویه ظهور کردند و امروز نیز مجددا در شام و هنگام تفرقه‌ی گروه‌ها ظهور کردند به همین خاطر پیامبرﷺ می‌فرماید"یخرجون علی حین فرقه من الناس: هنگامی که در میان مردم اختلاف و جدایی اُفتد ظهور می‌کنند" امام بخاری روایت کرده است.

امام نووی می‌فرماید" ای فی افتراق الناس و فرقتهم و هو الافتراق الذی کان بین علی و معاویه رضی الله عنهما: یعنی منظور از زمان جدایی و اختلاف مردم، اختلاف میان علی و معاویه می‌باشد.

صفت هجدهم:

از بدعت‌های خوارج به سرعت حکم کردن آنان بر خروجِ مردم از دین، و دعوت آنان به توبه و ابراز ندامت ازکردارشان است. حتی امروزه جماعت بغدادی دفترهایی را برای توبه کردن قرار داده‌اند و زمان مراجعه‌ی به آنان را آنگونه که من بخاطر دارم در گذشته روزهای یکشنبه و چهارشنبه بود. هرکسی از بزرگان و یا هرکسی دیگری که نزد آنان می‌رفت و قصد پیوستن به آنان را داشت از او می‌خواستند که توبه کند. به او می‌گفتند نزد ما بیا و از کفرهای گذشته‌ات توبه کن. این صفت در میان جماعت بغدادی وجود دارد یا نه؟!

همواره این صفت از گذشته با آنان بوده است، این کار را با امام علیؓ نیز انجام دادند و به او گفتند" أما بعد أیا علی إنک لم تغضب لربک و إنک غضبت لنفسک فإن شهدت علی نفسک بالکفر و استقبلت التوبه نظرنا فیما بیننا و بینک اما بعد: ای علی تو به خاطر پروردگارت خشمگین نشدی بلکه خشمت بخاطر خودت بود، اگر بر کفر خود شهادت دهی و توبه کنی ما نیز در آنچه که بین ما و تو گذشته است تجدیدنظر می‌کنیم) البدایه و النهایه

وقتی که شیخ صلاح الدین به رقه نزد آنان رفت تا از طرف سایر گروه‌ها با آنان بر سر آتش بس و توقف درگیری‌ها و چیزهای دیگری مذاکره کند به او گفتند این کار را نمی‌کنیم تا آنان توبه نکنند چرا که مرتد گشته‌اند. آنها تا امروز کسی را نپذیرفته‌اند مگر اینکه از او خواسته باشند توبه کند و درِ توبه نزد آنان همیشه باز است و این صفت نیز یکی از نشانه‌های بارز آنان است.

صفت نوزدهم:

از دیگر صفات خوارج تکیه‌ی آنها بر جدل، رسانه، خطبه‌های پرجوش و خروش و گمراه کردن مردم از واقعیت است. ابن‌عباس می‌فرماید" کان فی جمله الخوارج لدد _ أی الجدل _ و احتجاج و کثره خطباء و شعراء. از اوصاف خوارج آن است که در کلام‌شان جدل و به چالش کشیدن زیاد است و شاعر و سخنور نیز در میان‌شان زیاد است".

صفت بیستم:

و همچنین مورد آزمایش قرار دادن دین و عقاید (تفتیش عقاید) مردم از اوصاف خوارج است. ابراهیم بن حسین می‌گوید"تفتیش عقاید مردم روش خوارج است" منبع السیر ذهبی. ملهب فردی را نزد خوارج فرستاد که از آنان این

سوال بپرسد: "نظر شما درباره‌ی دو نفر که به قصد پیوستن به شما از دیار خود هجرت کرده‌اند اما یکی از آنان در راه جان خود را از دست می‌دهد و دیگری به نزد شما رسیده و او را مورد امتحان قرار دادید و در آن موفق نبود، چیست؟ برخی از آنان گفتند: اما آن کسی که در راه فوت کرده است رستگار و اهل بهشت می‌باشد اما دیگری که از امتحان موفق بیرون نیامد مادامی که از امتحان با موفقیت بیرون نیاید کافر است، و برخی دیگر نیز گفتند: هر دوی آنان کافرانند مگر اینکه در امتحان و آزمایش (عقیده و باور) موفق بیرون آیند. و اختلاف آراء زیادی میانشان به وجود آمد." این مطلب سندی است بر اینکه تفتیش عقاید از صفات آنان است.

صفت بیست و یکم:

از صفات خوارج در طول تاریخ این است که کلام و سخنانشان زیبا است ولی فعل و کردارشان زشت و قبیح می‌باشد. پیامبرﷺ در مورد خوارج می‌فرماید "یحسنون القیل و یسیئون الفعل و یدعون الی کتاب الله و لیسوا من کتاب الله فی شيء: کلامشان زیبا است ولی افعالشان ناروا، به سوی کتاب خدا دعوت می‌کنند ولی دعوت و اعمالشان در دایره‌ی کتاب خدا قرار نمی‌گیرد". به سخنانشان توجه کنید. به آخرین گفته‌یشان که سخنان عدنانی می‌باشد توجه کنید _آنرا به عنوان شاهد ذکر می‌کنم چرا که زمان زیادی از انتشار سخنانش نمی‌گذرد_ ای آمریکا برعلیه تو خروج کرده‌ایم و آمده‌ایم که تو را نابود کنیم و ای فلانی و فلان با شما چنین و چنان خواهیم کرد.... و ای آمریکا صبرکن و منتظر باش... این سخنشان است... اما در عمل: سپس به عمل و فعل آنها بر روی زمین نگاه کنید که خواهی‌دید که مارع* نابود می‌شود و مدرسه‌ی مشات را خواهی دید که ویران می‌شود و چیزی جز ویرانی و کشتار مسلمانان به دست آنان نمی‌بینی. سخنانشان و تهدیداتشان خطاب به آمریکا، روسیه و ایران است؛ نزد خود می‌گویی الله اکبر واشنگتن و نیویورک را با این همت و پشتکار فتح خواهند کرد!! ولی در عمل و بر روی زمین آنها به مارع و مدرسه‌ی مشات حمله می‌کنند و امروز که می‌خواهیم به سوی حما* حرکت کنیم قسم بخدایی که معبودی جز او نیست فاصله‌ی میان خود و آنها را جا گذاشته‌ایم که مبادا با آنها مستقیما برخورد کنیم. امروز را بخاطر داشته باشید امروز هفتم محرم است هنوز پیکار شروع نشده‌است و در ابتدای کار هستیم و ما اَماکنی را میان خود و آنان که در دست رژیم بشار است را تصرف نکرده‌ایم تا با آنها اصطکاك و درگیری پیدا نکنیم تا وقتی که از فتح حما و دمشق فارغ شویم، منتظر باشید که چگونه اینان از پشت به ما خنجر می‌زنند _مگر الله سبحانه و تعالی خود امور را در میدان جنگ سامان دهد_ که حتما پیشروی خواهند کرد تا راه ارتباطی ما را قطع کنند به خاطر این دست اعمال است که علماء می‌گویند سخنانشان زیبا است ولی اعمالشان زشت و نارواست. پیامبرﷺ می‌فرماید"یجیئ أقوام فی آخر الزمان یتکلمون بالحق لا یجاوز حلوقهم، در آخر الزمان گروهی خواهند آمد که از حقی سخن می‌گویند که از حلقشان تجاوز نمی‌کند"(فقط حرف می‌زنند اما در عمل چیزی ندارند).

---

* اسم منطقه ای که در دست مجاهدان بود که وقتی آنان مشغول جنگ با بشار اسد و حامیانش بودند جماعت دولت اسلامی به آن حمله کرد

* این شهر مرکز استان حما است.

صفت بیست و دوم:

از دیگر صفات آنان کشتن افراد بی‌گناه بخاطر مصلحت است. فردی را می‌کشند بخاطر مصلحتی، حتی اگر کـافر هم نباشد می‌گویند بُکش برادر که مصلحت چنین اقتضاء می‌کند او را بکش مشکلی ندارد. قطری‌بن الفجـاء خـوارجی می‌گوید :کشتن کسی از روی مصلحت ایرادی ندارد.

صفت بیست و سوم:

یکی دیگر از صفات خوارج این است حق را از هر کسی که باشد قبول نمی‌کنند تنها به افکار خود پایبند هستند و پند و نصیحت نمی‌پذیرند. ابن‌کثیر می‌فرماید"این دسته از مردم از عجیب‌ترین نوع بنی بشـرانـد پـاك و منـزه اسـت الله متعال در خلقت گونه‌ها و انواع مختلف مخلوقات که در اینجا قضیه‌ی خلقت خوارج اراده‌ی او بر قدَرَش سبقت گرفتـه است (منظور ابن کثیر این است که نعوذ بالله ایرادی به کار الله متعال نمی‌گیرم ولی خوارج از آن دست از مخلوقات الله متعال هستند که اراده‌ی خداوند که گاهاً شر نیز در آن می‌باشد بر قدَرَش که خیر و نیکی است سبقت گرفته است چـرا که خوارج شر مطلق‌اند) و چه نیکو گفته‌اند جمعی از سلف که این فرمـوده‌ی الله متعـال در ایـن آیـه منظـور و غـایتش خوارج است﴿قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا﴾ البدایه النهایه

صفت بیست و چهارم:

از صفات دیگر خوارج که بحث را با آنها به پایان می‌رسانم و امیدواریم که آنرا در جزوه‌ای برای آنهایی که قصد استفاده‌ی بیشتر را دارند انتشار می‌دهیم. اینها هستند آنـان فروتنـی و ورع فاسـد و کـاذب دارنـد. یعنـی فـرد خـارجی را می‌بینی که در برخی از کارها ورع و تقوی الهی دارد، درحالی که در امور بزرگ و مهم بی‌باك و متهور مـی‌باشـد. بـه خوارج اولیه بنگرید: قیس بن عماد دستور می‌دهد بروید و عبدالله بن خباب‌ﷺ را نزد من بیاورید. او را در حالی گرفتند که به خاطر دوری از فتنه‌هایی که دامنگیر مسلمانان شده بود در روستایی اعتزال و گوشه نشینی پـیش گرفتـه بـود. نقـل می‌کنند آن خارجیها خرمایی را دیدند که از نخل بر زمین افتاده بود _ تقوی را بنگرید_ یکی از آنان خرما را برداشـت و آنرا بر دهان نهاد، گفتند که این خرما مال اهل ذمه است و تو آنرا بدون پرداخت هزینه‌اش برداشته ای؟! او نیز خرما را از دهانش بیرون انداخت و آنرا نخورد سپس به گرازی رسیدند یکی از آنها آنرا کشت و نزد صاحبش که مسیحی بـود رفتند و هزینه‌اش را پرداخت کردند. خباب‌ﷺ درحالی که زنجیر بر دست داشت به آنان گفت آیا شما را از چیزی کـه حقش بر گردن شما از آن خرما و آن گراز بیشتر است باخبر سازم؟ گفتند بگو گفت: من!!! بخدا سوگند از وقتی که بـه سن تکلیف رسیده‌ام نمازی را ترك نگفته‌ام و در گرفتن روزه‌ای در ماه رمضان سستی نکـرده‌ام و چیزهـای دیگـری را نیز برشمرد..... در هر صورت به سخنانش گوش ندادند و او را آوردند و در نزد قیس بن عماد شهید کردند.

چند وقت پیش قبل از موسم حج بیانیه‌ای صادر کردند _ورع کاذب و فاسدشان را بنگرید_ بیانیه‌ای کـه در آن از سر بریدن قربانی مقابل قربانی دیگر منع شده بود _که البته این از سنتهای پیامبرﷺ است_ و در آن هر قصابی که قربـانی را در برابر دیدگان قربانی دیگر ذبح کند، مرتکب مجرم معرفی می‌کند. البتـه ایـن ورع و تقـوا اسـت ولـی متاسـفانه در

مقابل مجاهدین را در انظار عمومی می‌کشند و به نسبت هیچ فرد مسلمانی خویشاوندی و عهد و پیمان را رعایت نمی‌کنند در نتیجه آیا ورع فاسد و کاذب میان آنان وجود دارد یا نه؟!

اکنون صفت زیاده روی و افراط به نسبت دشمنان؛ خوارج از بی‌رحم‌ترین مردمانند!!

صفت بیست و پنجم:

از صفات خوارج در طول تاریخ افراط و زیاده‌روی آنان به نسبت دشمنان‌شان بوده است. پیامبرﷺ همان گونه که از ابوهریره‌رضی‌الله‌عنه در بخاری و مسلم نقل شده است که می‌فرماید، منافق سه نشانه دارد ... _ که یکی از آنها این است_ «إذا خاصم فجر: هر وقت با کسی دشمنی کند زیاده‌روی می‌کند». و در برخی از کتب خوارج مانند کتاب «کشف الغمه» نویسنده عثمان‌رضی‌الله‌عنه را از فتنه‌ی دجال بدتر می‌داند!!! و درباره‌ی او می‌گوید به راستی که عثمان از فتنه‌ی دجال بدتر است. این سخنان را درباره‌ی امیرالمؤمنین عثمان‌رضی‌الله‌عنه می‌گویند!! امروز نیز به رفتار آنان بنگرید به محض پیدا کردن اختلاف با فلان طالب علم و یا یکی ازعلماء آنان را خواهی دید که می‌گویند فلانی مزدور، جاسوس سازمانهای اطلاعاتی، فاسد، صحوات* و مرتد است ... و هر صفتی بدی را برای او به کار می‌برند. سبحان الله!! بخدا قسم برادران درتعجبم که چگونه مجاهدان را صحوات می‌خوانند؟! درحالی که ما می‌دانیم صحوات را آمریکا ساخت تا با مجاهدان مقابله کنند. این مجاهدین راستین کجا و صحوات آمریکایی کجا؟ مجاهدانی که هر روزه آمریکا، روسیه و ایران از آنان می‌کشند. این تفکر چگونه برای بی‌خردان و فریب خورده‌گان قابل قبول است؟!.

صفت بیست و ششم:

خوارج بی رحم‌ترین مردمانند و دارای بسیاری دیگر از صفات سوء هستند که آنها را برنشمردم و شما بیشتر آنها را خود دیده‌اید. شما را به خدایی که معبودی جز او نیست قسم می‌دهم از شما می‌پرسم آیا این صفاتی که ذکر کردم و صفاتی که علماء درباره‌ی جماعت دولت اسلامی ذکر کرده‌اند بر آنان صدق می‌کند یا نه؟! شما خود با چشم خود اینها را دیده‌اید و حس کرده‌اید... به همین خاطر برادران مدتها است که این سخنرانی را آماده کرده‌ام و منتظر زمان مناسب بودم وقتی که آخرین بیانیه و چیزهای دیگر را دیدم و فهمیدم که پیکار ما را به فساد خواهند کشید، تصمیم گرفتم برای روزی که الله سبحانه و تعالی را دیدار می‌کنم دَیْن خود را اداء کرده باشم خواستم که نزد الله سبحانه و تعالی دَیْنم را به اهل شام و همه‌ی جهان اداء کرده باشم.

* سخنانم را با جواب به کسانی که می‌پرسند حال چرا مردم فریب آنان را می‌خورند به پایان خواهم رساند. در جواب می‌گویم همچنان که یکی از سلف فرمودند:"هر کس در دین خدا ما را فریب داد ما فریب خوردیم." مردم با شنیدن اسم خلافت و اسلام فریب آنان را خوردند برای مثال می‌گویند: قسم بخدا ما نمی‌جنگیم و خونهایمان جاری نمی‌شود جز در راه اعلای کلمه‌ی توحید و از خدای حی و قیوم و با استعانت از نامهای بزرگش خواهانیم اگر ما در راه غیر او می‌جنگیم هیچگاه وجبی از خاک شام را تحت سیطره‌ی ما قرار ندهد. مردم را با این دست سخنان فریب

---

* نیروهای اجیر شده‌ی سنی که توسط آمریکا و حکومت مرکزی عراق برای مبارزه با مجاهدین در عراق ساخته شدند. داعش این اصطلاح را برای گروه‌های جهادی حاضر در شام نیز به کار می‌برد

می‌دهند. و یا برخی می‌گویند در میان آنان کسانی وجود دارند که هجرت کرده‌اند و افراد صالحی هستند... در جوابشان می‌گوییم در اصل خوارج افرادی هستند که قرآن می‌خوانند و علوم اسلامی را یاد می‌گیرند یعنی بخاطر اینها نیست که خوارج نامیده می‌شوند پیامبرﷺ به این خاطر آنان را "کلاب النار سگان آتش می‌نامد" که بر سر کشتن مسلمان پافشاری می‌کنند و همین پافشاری آنان بر قتل مسلمانان بی‌گناه است که خوارج خوانده می‌شوند نه طرز قرآن خواندن و نماز و عباداتشان.... از الله متعال سلامت و عافیت مسألت داریم.

شاید برخی نیز بخاطر اشتباهاتی که از سایر گروهها سر می‌زنند فریب آنان را می‌خورند ما هم نمی‌گوییم که جماعتهای مختلف معصوم‌اند نه!!! آنها هم اشتباهات زیادی دارند ولی اینجا مسئله کشتن مسلمانان به ناحق است که از مهم‌ترین مباحث در دین اسلام است.... به همین خاطر است که پیامبرﷺ به اسامه‌ﷺ که فرد مسلمانی را کشته بود می‌فرماید"ماذا تفعل بلا إله إلا الله إذا جاءتک یوم القیامه؟! با کلمه‌ی شهادتینی که بر زبان آورد را روز قیامت چه می‌کنی؟!" پیامبرﷺ می‌فرمایند"لزوال الدنیا أهون علی الله من قتل امرئ مسلم بغیر حق: نزد الله متعال نابودی این دنیا خوش‌تر است از قتل مسلمانی بی‌گناه". بر همین اساس به هر آن کسی که از آنان مهری به دل دارد و یا طرفدار آنان است و یا در قلبش میلی نسبت به آنان هست بگویید بخدا سوگند که ما نزد الله متعال از تو شکایت می‌کنیم و تو نزد الله سبحانه و تعالی شریك و هم جرم آنانی هستی و باید جوابگو باشی.

پیامبرﷺ می‌فرماید "من اعان علی قتل مسلم بشطر کلمه _ ای بکلمه _ لقی الله مکتوب بین عینیه آیس من رحمه الله، هر کس در قتل مسلمانی به اندازه‌ی کلمه‌ای همکاری کند خدای متعال را در حالی ملاقات می‌کند که در پیشانیش نوشته شده است از رحمت خدا نومید!!»" از الله متعال سلامت و عافیت مسألت دارم.

* وقتی ما درباره‌ی جماعت دولت اسلامی چنین سخن می‌گوییم به این معنا نیست که افراد درستکار در میان آنان وجود ندارد و کلمه‌ی خوارج بر همه‌ی آنان قابل اطلاق است بلکه منظور ما این است که این خلافت، خلافتی باطل و خارجی (منسوب به خوارج) است که تمام جوانبش با صفات خوارج مطابقت دارد. از الله متعال سلامت و عافیت مسألت داریم.

* و کلامم را با پیامی به عموم جوانان دولت اسلامی و آنهایی که محبت آنرا در دل دارند و فریب آنان را خورده‌اند به پایان می‌رسانم. اگر این صفات را شنیدی آراء و نظرات علماء را بخوان. این گونه فکر مکن که در روز قیامت به مجرد گفتن فریب خوردم. رهایی خواهی یافت!!! قسم بالله من بیم تو را دارم که در برابر الله سبحانه و تعالی قرار گیری و بگویی بار خدایا شعارهایشان فریبم داد، بارخدایا کلامشان فریبم داد، ولی الله متعال به تو خواهد گفت آیا مگر کلامم را نخواندی ﴿فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾ اگر چیزی را نمی‌دانید از اهلش بپرسید.

ای سرباز دولت اسلامی به پروردگار عالمیان چه خواهی گفت؟! بخدا قسم من بیم تو را دارم که در برابر الله قرار گرفته‌ای در حالی که می‌پنداری مجاهد بوده‌ای و با کفار جنگیده‌ای در آن لحظه ما را برابر خود خواهی دید که نزد الله قرآنی را که از آن با دستانمان محافظت کرده‌ایم حمل می‌کنیم و حاملان کلمه‌ی توحید هستیم و سنت رسول خداﷺ را در سینه‌های خود حمل می‌کنیم که در برابر الله متعال از تو اقامه‌ی دعوا می‌کنیم.

ای سرباز دولت اسلامی بیم آن دارم که در برابر الله قرار گیری در حالی که شاکیان تو هزاران مجاهد در راه خدا باشند که خونشان را ریخته‌ای و یا به ناحق آنان را تکفیر کرده‌ای. از الله متعال سلامت و عافیت مسألت داریم.

* اما اگر برخی با این مطالبی که گفتیم قانع نشدند در جواب می‌گویم: حال در هر صورت اختلاف و در گیری بین طرفین درگرفته است به تو می‌گویم از جماعت دولت اسلامی بپرس که آیا راضی است همین آلان هر چه را که گذشته است واگذارد و از کشتن مسلمان دست بردارد؟ آیا به آتش بس رضایت می‌دهد؟ آیا حاضر به صلح است؟ قطعاً خواهند گفت این امری محال است. علت آنهم این است که آنها ما را مرتد قلمداد می‌کنند و آتش بس با مرتد را حرام می‌دانند و امکان ندارد که به صلح و توقف درگیریها تن دهند مگر خداوند سبحانه و تعالی خود بر بندگانش رحم کند. از خداوند حی و قیوم خواهانم که ما را در روز قیامت بخاطر گناهانمان معذور دارد و این کلام پیامبرﷺ برای هر کسی که آنرا می‌شنود کفایت می‌کند "الخوارج کلاب النار: خوارج سگان آتش‌اند، شرار الخلق عند الله: آنان بدترین مردمان نزد الله متعال هستند". در پس حق و حقیقت چیزی جز گمراهی نیست.

الهی ای زنده‌ی پاینده از تو با تمسک جستن از نامهای بزرگت خواهانیم که افراد درستکارِ فریب خورده‌ی میان آنان را هدایت ده. ای زنده‌ی پاینده امت اسلامی را از دست خوارج غیرقابل اصلاحِ موجود در جماعت دولت اسلامی راحت کن و انتقام امت اسلامی و مسلمانان ناتوانان را از آنان بگیر. ای صاحب شکوه و کرم ای زنده‌ی پاینده این خواسته‌های ما است آنان را اجابت فرما*.

صلَّى الله على محمد وآله وصحبه وسلَّم، وحسبنا الله ونعم الوكيل.

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته

* لازم به ذکر است برای درک و فهم درست، ترجمه به صورت آزاد و گاهاً با دخل و تصرف صورت گرفته است.